

نگاه

گُردها و جنبش مدنی ایرانیان

فیض‌الله پیری

● علانیت سیاسی در جامعه کردستان به مرحله‌ای از شکوفایی رسیده که اینک عموم کردها به این قطعیت رسیده‌اند که پیشبرد دموکراسی در ایران بدون تلاش همگانی ممکن نیست، همچنان‌که گشایش فضای مدنی و رسیدن گُردها به مطالباتشان بدون همکاری دیگر ایرانیان امکان ندارد. همین خودآگاهی مدنی امروز کردها – که ریشه‌ای به درازای تاریخ و از جمله نشانی بزرگ در تاریخ مشروطه‌خواهی ایرانیان دارد– حکم به همگامی و همراهی جنبش آزادی‌خواهی ایرانیان می‌دهد.

اینکه کردها چه مطالباتی دارند و چه میزان از این مطالبات در دولت‌های بعد از انقلاب برآورد شده یا به آن توجه شده، بی‌ارتباط با انتخابات امروز ریاست‌جمهوری نیست، اما نکته مهم همراهی کردها با جنبش مدنی و آزادی‌خواهی ایرانیان است. همراهی کردها با جنبش مشروطه‌خواهی و حرکت‌های آزادی‌خواهانه بعد از آن تا به امروز، تاریخ دورودراری نیست که بتوان آن را فراموش کرد. این مردمان همواره پای ثابت حرکت‌های عمومی مردم برای نیل به آزادی، پیشرفت، دموکراسی و عدالت بوده‌اند و تاریخ این روزبوم به این مشارکت و فداکاری مدنی گواهی می‌دهد.

اگرچه همه مطالبات کردها از جمله در استانی چون کردستان کاملاً تأمین نشد، اما آنچه روحانی در اجرای بیانیه شماره ۳ (بیانیه اقوام) انجام داد، چنان قابل‌توجه هست که کردها را به همراهی با سیاست‌مدار میانه‌رویی چون روحانی متقاعد کند و در مسیر دموکراسی‌خواهی آنها را همگام کند. همان‌گونه که دولت اصلاحات بعد از دو دهه با اجرای اصل مربوط به شوراهای شهر و روستا و توسعه دموکراتیک محلی گامی قدمداتی برداشت، دولت روحانی نیز با اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی بعد از ۳۶ سال به خواسته کردها در ایران رنگ واقعیت بخشید، زیرا شکل‌گیری شوراهای شهر و روستا خواسته عموم ایرانیان و تدریس زبان کردی در دانشگاه‌ها و مدارس در اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی مطالبه مشروط و اختصاصی کردها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ بود. همین گام‌های کوچک و تدریجی و آرام است که به حرکت اصلاح‌طلبی در ایران هویت می‌بخشد.

کردهای اهل سنت البته در دولت روحانی نخستین‌بار عناوین سفیر و معاون وزیر را تجربه کردند و مدیریت میانی آنها از جمله پست‌های فرمانداری و مدیرکل در سطح مدیرکل استانی و حتی ملی اینک طبیعی می‌نماید. فضای مدنی در دولت تدبیر گشایش نسبی یافته و مطبوعات متعددی امکان انتشار و تولید یافته‌اند. فضای هنری برای هنرمندان امیدبخش شده، چنان‌که در سال گذشته ۷۰ کنسرت موسیقی برگزار شد و لغو کنسرت‌ها در این استان نسبت به دیگر مناطق به حداقل رسیده و از تعداد انگشتان دست فراتر نمی‌رود. تولید انبوه فیلم و اجرای متعدد تئاتر و برگزاری نمایشگاه‌های متنوع فرهنگی و هنری و نیز درخشش گروه‌های مرتبط در عرصه ملی و بین‌المللی مانند ارکستر فیلارمونیک سندنج و ایجاد انگیزه برای تقویت ارتباط بین هنرمندان سرشناس با کردستان و برگزاری جشنواره‌های معتبر مانند جشنواره اقوام و جشنواره پیش‌روی مطبوعات کردی (برای نخستین‌بار) نشانه‌های خوبی برای نمایان کردن تفاوت فضای دولت تدبیر و امید با عصر مهرورزان دارد.

در زمینه اقتصادی نیز پروژه‌های چندی مانند لاستیک‌سازی کردستان، پتروشیمی و... به بهره‌برداری رسیده، اجرای راه‌آهن همدان به سسندج، فرودگاه سقز و بزرگراه میاندوآب به گرمناشه (که قسمت اعظم آن در کردستان قرار دارد) شتاب بیشتری به خود گرفته، ادبیات توسعه به کردستان بازگشته و رئیس‌جمهور مشخصاً از اتصال راه‌آهن سندنج به کردستان عراق برای اتصال به مدیترانه سخن می‌گوید. گروه‌های اصلاح‌طلب و مدنی که حتی امکان انتشار رسانه در عصر عدالت مهرورزان از آنها سلب شده بود، اینک در دولت روحانی تولد دوباره و امکان بازسازی تشکیلاتی و مطبوعاتی و امکان برگزاری نشست‌های سیاسی یافته‌اند.

این فضای حداقلی گرچه تا نقطه آرمانی تأمین مطالبات کردها فاصله زیادی دارد، اما تحلیل درست کردها از شرایط تاریخی جنبش مدنی امروز ایران، آنان را به حرکت تدریجی و گام‌به‌گام و مسالمت‌آمیز، اما نتیجه‌بخش ترغیب می‌کند.

جنبش دموکراسی‌خواهی و تحول‌گرایی ایرانیان که اینک رنگ بنفش به خود گرفته و با چهره روحانی میانه‌رو نمایان شده است، بی‌گمان دیگربار همراهی کردها را با خود خواهد داشت و کردها قطعاً به این نتیجه رسیده‌اند که راهی به‌جز «امید» و اصلاح‌طلبی تدریجی ندارند؛ راهی که با پیومن آن امیدوارند میزان مشارکت آنها در مدیریت محلی و کلان کشور و مشخصاً توزیع عادلانه قدرت، ثروت و منزلت به‌عنوان شعار اصلی اصلاح‌طلبان کرد و مطالبات هویت‌طلبانه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌شان در دولت دوم تدبیر و امید به صورت راهبردی مورد توجه قرار گیرد.

ایسنا: نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای از کاندیداتوری حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری حمایت کرد. در بیانیه علی مطهری که در کانال تلگرامی او منتشر شده، با اشاره به دلایل حمایت وی از حسن روحانی، بر لزوم مشارکت حداکثری مردم در انتخابات تأکید شده است.

در این بیانیه با عنوان «چرا به روحانی رأی می‌دهم» آمده است:

«چرا به روحانی رأی می‌دهم؟

انتخاب اصلح در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری به دلیل عوام‌فریبی‌هایی که در رقابت‌های انتخاباتی صورت گرفته است ممکن است برای بخش کوچکی از مردم ما به‌رغم رشد اجتماعی و سیاسی که در ۳۸ سال گذشته پیدا کرده‌اند، کمی با دشواری همراه شده باشد. نظر به درخواست‌های مکرری که از اینجانب برای اعلام‌نظر شده است، به عرض ملت بزرگ ایران می‌رساند که این بنده ضمن احترام به همه کاندیداهای ریاست‌جمهوری و با آگاهی از نقاط قوت هر یک، به دلایل ذیل جناب آقای روحانی را اصلح می‌دانم و به ایشان رأی می‌دهم:

۱. دولت یازدهم پس از یک نایسامانی بزرگ اقتصادی، انضباط مالی در کشور ایجاد کرده و با ثبات نسبی قیمت‌ها آرامشی را در حوزه اقتصاد کشور پدید آورده است.

فراموش نکنیم که آقای روحانی دولتی را تحویل

عبدالله نوری، وزیر کشور دولت اصلاحات، در گفتاری که در اختیار «شرق» قرار داده است، از نامزدی حسن روحانی حمایت کرده و دلایل آن را برشمرده است. نوری معتقد است که دولت نه‌تنها در حوزه سیاست خارجی، بلکه در حوزه‌های اقتصادی و کنترل تورم و نیز موضوعات فرهنگی آن‌قدر عملکرد خوبی از خود ارائه داده که باید دوباره تکرار شود. به گفته نوری، اگر تنها ابراهیم رئیسی نامزد این انتخابات بود، او برکه رأی را سفید به صندوق می‌انداخت. اهم این گفتار را در پی می‌خوانید:

● هر دوره از انتخابات مختصات خاص خود را دارد و نمی‌توان گفت کدام دوره مهم‌تر است، اما در توضیح اهمیت این دوره، باید گفت بیش از اینکه اشخاص مورد بحث باشند، دو جریان فکری مقابل هم هستند و مردم باید بین این دو جریان فکری یکی را انتخاب کنند و آمادگی پذیرش هزینه‌های احتمالی آن را هم داشته باشند.

● به عقیده من، آقای روحانی در دوره چهارساله ریاست‌جمهوری، فراتر از حد انتظار ظاهر شد. با اینکه چهار سال پیش هم من به آقای روحانی رأی دادم؛ اما آنچه از آتیه کشور می‌دیدم، این نبود و آنچه انجام شد فراتر از تصور بود.

● گاهی مطرح می‌شود که آقای روحانی تنها در حوزه سیاست خارجی و برجام موفق بوده؛ درحالی‌که من معتقدم ایشان در حوزه‌های گوناگون موفق بوده است. معتقدم دولت آقای روحانی در بسیاری از زمینه‌ها موفقیت‌های چشمگیری داشته است. در بخش بهداشت و درمان و انجام طرح سلامت، در بخش کشاورزی، در بخش روستایی و رفع نیازمندی‌های روستاییان، در بخش نفت و گاز و پتروشیمی، حمل‌ونقل و موارد گوناگون دیگر، کنترل تورم مسئله بسیار مهمی است که این دولت انجام داده است؛ تبعات منفی رکود نسبی را در مرحله

کنترل تورم پذیرفته تا پس از آن، رونق اقتصادی را همراه با کنترل تورم آغاز کند. در واقع می‌توان سال ۹۵ را سال آغاز رونق اقتصادی همراه با کنترل تورم نامید.

● فکر نمی‌کنم در دوره‌ای که مرحوم مصدق در راستای ملی‌شدن صنعت نفت کام برداشت، در کشور خودش تا این حد در مرکز هجمه قرار گرفته باشد. یک رئیس‌جمهور و یک دولت با هماهنگی‌ها و هدایت‌های لازم تلاش کردند و در یک بازی برد – برد، اقدامی انجام دادند که افراطی‌ترین جریان‌ات جنگ‌طلب دنیا با آن مخالف بودند؛ اما موفق نشدند.

● به نظر مخالفت با برجام، ناشی از یک دعوای سیاسی است. حتی بحث‌های اقتصادی و معیشتی هم بهانه سیاسی دارد؛ یعنی برخی که در پی صاحب قدرت هستند، یک روز احساس می‌کنند با طرح مسائل اقتصادی به این هدف می‌رسند و در نتیجه مدام از معیشت مردم دم می‌زنند؛ درحالی‌که اینان همان کسانی هستند که اگر دیروز به ایشان می‌گفتند معیشت مردم، می‌گفتند این بحث فرعی است و باید به مسائل ارزشی و معنوی پرداخت و به ما اتهام می‌زدند که دنبال مسائل مادی هستیم. ● برجام، یکی از پرافتخارترین توافقی‌های چندجانبه در تاریخ ایران است که این افتخار، از آن ملت و مسئولان ایران است. نباید آن را کوچک بشماریم. برادری می‌گوید ما نباید مسائل نیروهای مسلح یا توان موشکی را با مسئله کوچکی مثل برجام مقایسه کنیم؟ این دستاورد ملت است؛ چرا آن را کوچک می‌شمارید؟ نباید فراموش کنیم قبل از

سیاست



علمبر حسین رانژاوقاد، مهر

مطهری تشریح کرد

چرا به روحانی رأی می‌دهم

گرفت که سکه را از ۹۰ هزار تومان به بالای یک میلیون تومان رساند.

۲. با توجه به توافق‌نامه برجام و تحولات منطقه خاورمیانه و ظهور هیئت حاکمه جدید در آمریکا با افکار و اهداف متفاوت، ادامه ریاست‌جمهوری آقای روحانی به صلاح کشور است. عده‌ای ابا ندارند که برجام ابتر بماند و برای حفظ ژست انقلابیگری



علمبر عباس کوفری، شرق

عبدالله نوری؛

اگر فقط رئیسی نامزد بود، رأی سفید می‌دادم

برجام چه بودیم و الان کجا ایستاده‌ایم.

● یکی از مشکلات در مفاهمه بین دولت و مردم، این است که خیلی وقت‌ها با زبان مردم صحبت نمی‌کند. مثلاً می‌گوید تورم ۴۰درصدی را تکررقمی کرده‌ایم. همه ملت ایران که کارشناس اقتصادی نیستند؛ بنابراین باید با مثال این را توضیح دهند. مثلاً باید گفته شود تورم در ابتدای دولت روحانی در حوزه سیاست خارجی و برجام موفق پیدا کند، گوشت که الان کیلویی حدود ۳۵ تا ۴۰ هزار تومان است، می‌شد حدود صد هزار تومان و ده‌ها مثال از خوراک، پوشاک، مسکن، حمل‌ونقل و...؛ در این صورت مردم ساده‌تر درمی‌یابند که کاهش تورم یعنی چه؟ از آن طرف متوجه می‌شوند اگر افزایش یارانه نیازمندی‌های روستاییان، در بخش نفت و گاز و پتروشیمی، حمل‌ونقل و موارد گوناگون دیگر، کنترل تورم مسئله بسیار مهمی است که این دولت انجام داده است، تبعات منفی رکود نسبی را در مرحله

هزار و ۴۰۰ تومان و این افزایش بلافاصله در همه امور کشور تأثیر خود را گذاشت. من بارها به مسئولان دولتی هم گفته‌ام شما نتوانسته‌اید زحمات خود را برای مردم خوب تبیین کنید؛ یعنی زبان مردم در انتخاب نکرده‌اید. ● شما مقایسه کنید یک طرف آقای روحانی است با آگاهی، توان مدیریتی و تجربیات اجرایی در سطوح مختلف، از پیش از انقلاب تا الان با مجموعه‌ای از نیروهای کارشناسی که ایشان را در دولت همراهی می‌کنند، طرف مقابل کدام‌یک از این پشتوانه‌ها را دارد؟ آگاهی کافی دارد؟ تجربه موفق‌ی در گذشته و حال داشته است؟ کارشناسان قدرتمندی دارد؟ به نظر من، افراد معتدل جریان اصولگرا اگر جمع‌بندی کنند که در مقابل ازدست‌دادن چنین سرمایه‌ای چه سرمایه‌روشنی دارند، به این نتیجه می‌رسند که اجازه ندهند این اتفاق بیفتد.

● بعضی از این کاندیداها اگر حرف‌های معقول‌تری می‌زدند – چه رئیس‌جمهور بشوند چه نشوند– شاید برخی از جریان‌های معتدل حمایتشان می‌کردند. در همین شهر تهران کارهای گوناگونی انجام شده که یا توجه ندارد یا در اولویت نیست و چه بسا شبهه‌انگیز هم باشد. اگر بخوانند همین اقدامات را برای کل کشور انجام دهند که نه توجیه دارد و نه منبع مالی، کشور نابود می‌شود. همین مسائل برای مردم ذهنیت ایجاد می‌کند. شما همین طرح‌ها و بدهی‌هایی را که برای شهر گذاشتید توجیه کنید، بعد برای کشور برنامه بریزید.

● در دولت قبل از آقای روحانی، کشوری که داشت در دنیا منزوی می‌شد، ایران بود، در دوره

این، تجربه‌ای که جناب آقای روحانی در این چهار سال کسب کرده‌اند سرمایه عظیمی برای چهار سال آینده است.

۴. اگر کاندیدای دیگری غیر از آقای روحانی پیروز شود، بی‌توجهی به حقوق ملت و آنچه که در فصل سوم قانون اساسی آمده است، از طرف برخی نهادها بیشتر خواهد شد. وجود این دولت مانع بسیاری از این نقض قانون‌ها است اگرچه انتظار ما از رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی بیش از اینهاست.

۵. دولت، بسیاری از مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به نقطه خوبی رسانده است. این حرکت‌ها نباید در نیمه راه متوقف شود.

۶. سپردن امور اجرایی کشور به کسانی که حتی یک روز تجربه وزارت یا نمایندگی مجلس را ندارند یک ریسک است و چه‌بسا مسئولیت و ضمان شرعی به دنبال داشته باشد.

با انتخاب آقای روحانی کشور ما از نظر رفاه مادی سوئیس نخواهد شد اما با عدم انتخاب او احتمال وزن‌ولاشدن کشور منتفی نیست. اما همان مقدار که انتخاب اصلح اهمیت دارد، میزان مشارکت مردم در آینده اقتصادی و سیاسی و امنیتی کشور مؤثر است. افرادی که فکر می‌کنند راه اصلاح بسته است و شرکت در انتخابات مفید فایده نیست، در خطا هستند. جمعه ۲۹ اردیبهشت همه با هم پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شویم».

می‌خواهد آثار تاریخی ایران را ببیند. توریست، تهاجم فرهنگی نمی‌آورد، بلکه برعکس، فرهنگ ایران را به خارج صادر می‌کند. تمام این مسائل، در سایه بهبود روابط با کشورهای خارجی به دست می‌آید.

● برای من شفاف نیست که در قوه قضائیه، ایشان (رئیی) چه اقدام مثبتی انجام داده است. در سازمان بازرسی، در دادستانی، در معاونت اول قوه قضائیه، در دادگاه ویژه روحانیت، چه کارنامه موفق‌ی داشته است؟ اگر کاندیدای ریاست‌جمهوری تنها ایشان بود و من می‌خواستم رأی دهم، یک برکه سفید در صندوق می‌انداختم به خاطر اینکه هیچ شناختی از ایشان ندارم. درحال‌حاضر هم ایشان ادعاهایی دارد که من متوجه نمی‌شوم. حرف‌های ایشان را نمی‌فهمم. البته ممکن است عده‌ای هم با حرف‌های ایشان، دلخوش شوند، ولی من خیلی نگرانم.

● اینکه ایشان (رئییسی) بگوید می‌خواهیم با فساد مقابله کنیم، خیلی خوب است، اما مهم‌ترین دستگاه مبارزه با فساد، قوه قضائیه است؛ نهایتاً اگر دستگاه اجرایی هم متوجه فساد شود، به قوه قضائیه ارجاع می‌دهد. بنابراین اگر دستگاه قضائی خوب عمل کرده، پس فساد جمع شده و ایشان با چه چیزی می‌خواهد مبارزه کند؟ اگر هم فساد همچنان وجود دارد، پس ایشان در مسئولیتش در قوه قضائیه در مبارزه با فساد چه کرده است؟ آن آقا می‌گوید از زباله، برق تولید کردم، بعد مشخص شد که تنها چهار مگاوات برق تولید شده است، آیا این عملکرد است؟ بعد این‌گونه می‌خوانند کشور را اداره کنند؟

● به‌عنوان جمله پایانی عرض می‌کنم که ان‌شاءالله در روز ۲۹ اردیبهشت، همگام با برادران عزیزم، دکتر جهانگیری و مهندس هاشمی‌طبا، برای سربلندی و عزت ایران به آقای روحانی رأی خواهم داد.

روزنه

تبِ ایران در سوئد

پیام غیابی

● طبق اطلاعات مرکز آمار کشور سوئد، بیش از ۷۰ هزار نفر از جمعیت ۱۰میلیونی این کشور را ایرانیان تشکیل می‌دهند؛ اقلیتی پرجمعیت که خود مجموعه‌ای است از انواع و اقسام مهاجران ایرانی؛ مهاجران سیاسی، مهاجران جنگ هشت‌ساله، مهاجران اقتصادی و اخیراً جمعیت نوظهور دانشجویان ایرانی.

شاید تصور عمومی از ایرانیان خارج از کشور جمعیتی به لحاظ سیاسی اساساً ناهمسو و معاند با حکومت باشد. عده‌ای مشارکت ناچیز این دسته از ایرانیان در انتخابات ریاست‌جمهوری را نیز شاهدی بر این مدعا می‌گیرند. برآورد دقیقی از تعداد ایرانیان خارج از کشور که مورد اجماع آمارها باشد، در دسترس نیست. اما برآورد‌های تخمینی حاکی از جمعیتی بیش از سه میلیون ایرانی مقیم خارج است؛ جمعیتی که به گفته آقای قشقایی، معاون وزیر امور خارجه، بیش از ۲.۵ میلیون نفر از آن واجد شرایط شرکت در انتخابات هستند. با وجود این، سهم این دسته از ایرانیان در انتخابات ۱۳۹۲ فقط کمی بیشتر از صد هزار رأی بود.

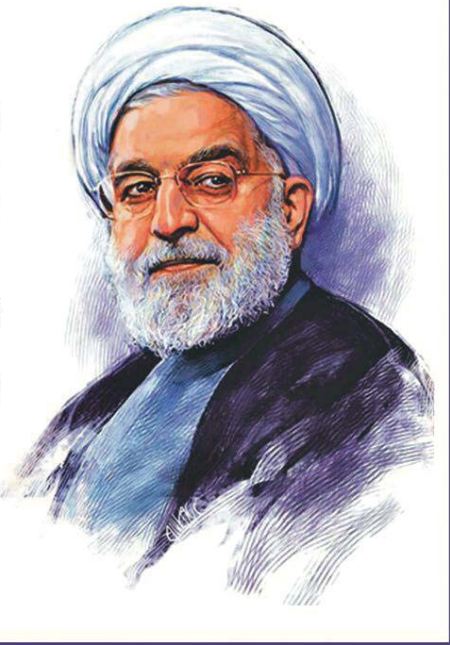
بر کسی پوشیده نیست که تعداد زیادی از مخالفان سیاسی جمهوری اسلامی ایران مقیم خارج از کشور هستند. با وجود این، اگر با مصائب رأی‌دادن در خارج از کشور آشنا باشید، درصد پایین مشارکت در انتخابات را ضرورتاً آینه‌ای تمام‌نما از جهت‌گیری سیاسی این دسته از ایرانیان تلقی خواهید کرد. سختی‌هایی مانند شهریه‌شهر به دنبال صندوق رأی‌گشتن، مرخصی از کار، سفر به پایتخت، غلبه بر ترس انگشت‌نماشدن و برخورد‌های فیزیکی اقلیتی هوچی‌گر و امثالهم.

اما از همه مه‌تر تغییر ترکیب جمعیتی و به‌تبع آن الگوی رفتاری اقلیت مهاجران ایرانی است. برای مثال در کشور سوئد یکی از تغییرات اخیر، متأثر از جامعه نوظهور دانشجویان مهاجر ایرانی بوده است. در یک دهه گذشته جمعیتی چندهزارنفری از دانشجویان ایرانی به سوئد مهاجرت کرده‌اند. جمعیتی که امروز به‌مرور در حال جذب‌شدن به بازار کار و بستن تطفه زندگی جدیدی در غرب است. مهم‌ترین ویژگی این جامعه نوظهور و نسل پساانقلاب، در کنار تحصیلات عالیه، داشتن تجربه دست اول از تنش‌ها و کشمکش‌های اوایل انقلاب و جنگ است. نداشتن این تجربه دست اول باعث شده تا کمتر در مسائل سال‌های دهه ۶۰ گیر کنند. درعوض تجربه پیررنکی از فرازونشیب‌های سنگین جامعه ایران بعد از جنگ هشت‌ساله را یدک می‌کشند و فهم جمعی تروتازه و خاک‌نگرفته‌ای از تفاوت‌های هفت دولت پس از جنگ دارد. تأثیر برخی از این دولت‌ها بر تجربه زیسته خود در خارج از کشور را نیز به‌خوبی لمس کرده است.

همین امر موجب شده تا با وجود همه سختی‌ها، ناملایماتی‌ها و محدودیت‌هایی که این نسل پساانقلاب در نوجوانی و جوانی تحمل کرده است، فهم و درکش از جامعه ایران عموماً خاکستری باشد. دسته‌بندی‌های سیاسی را باور می‌کند، جدال‌های سیاسی را جدی می‌گیرد، نزاع‌های سیاسیون را زرگری نمی‌داند و غالباً برای خود و هم‌سنلانش حدی از کنشگری و فاعلیت قائل است.

از قضا همین روحیه باعث شده تا در مهاجرت نیز به تکاپوی شرکت در انتخابات بپفتد.

با روحانی تا سِدار انتخابات حوزه روابط عمومی‌ها



روابط عمومی‌ها باید مظهر و بازتابنده افکار، اراده

و مطالبات به حق همه شهروندان کشور باشند